

[وجه سوم: اطلاقات ثبوت دیه در عمد 1](#_Toc511065551)

[اشکال: عدم تمامیت استدلال و ادله 2](#_Toc511065552)

**موضوع**: قتل به تسبیب/مراتب تسبیب/مرتبه چهارم/اشتراک در قتل /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مباحث اشتراک در جنایت در مسأله مشارکت انسان با حیوان به جواز یا عدم جواز تبدیل قصاص به دیه رسید.

مرحوم آقای خویی ره برای جواز تبدیل قصاص به دیه در موارد اشتراک انسان با حیوان در قتل انسان دیگری بعد از اثبات اصل قصاص انسان جانی در این فرض، ادله ای سه گانه اقامه نموده است که دو مورد از این ادله بیان شد و اینک نوبت به استدلال سوم ایشان در مقام می رسد.

وجه سوم: اطلاقات ثبوت دیه در عمد

و يمكن الاستدلال على ذلك بإطلاق ما دلّ على ثبوت الدية في القتل العمدي، و أمّا ما دلّ على أنّ الثابت أوّلًا في القتل العمدي هو القصاص و الدية إنّما تثبت بالتراضي على ما سيجي‌ء فهو منصرف عن المقام و خاصّ بما إذا لم يستلزم الاقتصاص ردّ شي‌ء إلى وليّ المقتصّ منه. [[1]](#footnote-1)

در میان روایات، اطلاقاتی هم وجود دارد که در آن ها حکم به ثبوت و لزوم دیه در موارد قتل عمد شده است و این خود می تواند به عنوان دلیلی برای ثبوت دیه در مقام به حساب بیاید، اما ادله و نصوصی که حکم اولی در موارد قتل عمد را قصاص می دانند و دیه را مبتنی بر مصالحه و تراضی اطراف قضیه دانسته اند، از ما نحن فیه منصرف است و اختصاص به مواردی دارد که در آن ها مطالبه و اجرای قصاص مستلزم رد فاضل دیه نباشد.

به نظر می رسد که منظور مرحوم آقای خویی قدس سره از روایات و اطلاقات ثبوت دیه در موارد عمد، روایات ذیل باشد.

الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ دِيَةِ الْعَمْدِ فَقَالَ مِائَةٌ مِنْ فُحُولَةِ الْإِبِلِ الْمَسَانِّ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ إِبِلٌ فَمَكَانَ كُلِّ جَمَلٍ عِشْرُونَ مِنْ فُحُولَةِ الْغَنَمِ.[[2]](#footnote-2)

عُثْمَانُ بْنُ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ دِيَةِ الْعَمْدِ الَّذِي يَقْتُلُ الرَّجُلَ عَمْداً قَالَ فَقَالَ مِائَةٌ مِنْ فُحُولَةِ الْإِبِلِ الْمَسَانِّ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ إِبِلٌ فَمَكَانَ كُلِّ جَمَلٍ عِشْرُونَ مِنْ فُحُولَةِ الْغَنَمِ.***[[3]](#footnote-3)***

در مقابل این اطلاقات روایاتی هم وجود دارد که قصاص را در موارد قتل عمد، متعین می دانند، که می توان به واسطه انصراف این روایت از مواردی که قصاص در آنها مستلزم رد فاضل دیه است؛ بین دو طایفه از روایات جمع نمود.

اما با توجه به این که مواردی هست که با وجود اینکه جنایت در آن ها عمدی است ولی باز هم حکم به دیه می شود؛ تقدیم ادله تعین قصاص در موارد عمد، مستلزم لغویت دلیل ثبوت دیه نخواهد بود؛ مواردی مثل قاتل بودن پدر یا فرار کردن قاتل.

اشکال: عدم تمامیت استدلال و ادله

به نظر می رسد هیچ یک از ادله ای که مورد استدلال مرحوم آقای خویی واقع شده است، تمام نیست؛ چرا که اولا؛ این که ادله تعین قصاص منصرف به مواردی هستند که قصاص مستلزم رد فاضل دیه نباشد؛ ادعایی صرف است و ثانیا؛ این که عدم تخییر و تعین قصاص در برخی موارد سبب ابطال خون شخص محترم می شود و به جهت عدم احتمال فرق در حکم تخییر بین موارد تمکن از رد فاضل دیه و غیر آن، این تخییر در همه موارد جریان دارد نیز غیر قابل قبول است؛ چرا که این ادله در مقام بیان موارد ثبوت ضمان نیست، بلکه دال بر عدم هدر رفت و بطلان خون مسلمان در مواردی است که ضمان در آنها ثابت دانسته شده است، و از آنجا که جلوگیری از چنین امری متعین در امکان تخییر بین قصاص و دیه نیست، و می توان از طرق دیگری مثل بیت المال این فاضل را تأمین نمود؛ لزومی در تخییر دیده نمی شود.

به عبارت دیگر، این ادله، دال بر قاعده ای است که گویای این مطلب است که در مجعولات و تشریعات، خون هیچ مسلمانی پایمال نمی شود، کما این که در موارد ما نحن فیه هم قصاص جعل شده است، اما این که در مقام استیفاء و اجرای قصاص، به دلیل مانعی مثل عدم تمکن از پرداخت فاضل دیه قصاص ممکن نیست، مطلب دیگری و خارج از مورد قاعده است، مگر این که نثل قضیه فرار کردن قاتل توسط خود شارع، این قاعده تطبیق شده باشد، که البته تعدی از مورد این روایت نیز جایز نیست.

1. . [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج42، ص32.](http://lib.eshia.ir/71334/42/32/) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج10، ص159.](http://lib.eshia.ir/10083/10/159/) [↑](#footnote-ref-2)
3. . [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج10، ص160.](http://lib.eshia.ir/10083/10/160/) [↑](#footnote-ref-3)